
به نام خدا

دعای جوشن صغیر

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، خدایا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را به روی من کشید و لبه تیغش را برای من تیز کرد و دم برنده اسلحه اش را باریک ساخت و زهرهای کشنده اش را برای من درهم آمیخت و تیرهای بی خطایش را به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانش از من به خواب نرفت و پنهان بر آن است تا مرا در معرض امور ناخوشایند قرار دهد و به من بچشاند زهر جگر سوزش را؛ [۱](#)

خدایا به ناتوانی من نگریستی که تاب حوادث بزرگ را ندارم و درماندگی ام را از انتقام گرفتن از آنکه با ستیزه جویی اش قصد من کرده، دیدی و تنهایی ام را در برابر بسیاری از آنان که آزار مرا اراده کرده اند و در کمین من نشستند، مشاهده کردی و در آنچه اندیشه ام را برضد آنان برای مقابله به مثل بکار نگرفتم، پس مرا به نیرویت حمایت کردی و پشتم را با یاریت محکم نمودی و تیغ او را به نفع من کند کردی و او را پس از جمع آوری نفرات و تجهیزاتش خوار نمودی و مقام و جایگاه مرا بر او برتری دادی؛ [۲](#)

و آنچه را از نیرنگ هایش به سوی من هدف گرفته بود به سوی خودش بازگرداندی و برضد او به کار بستی، ولی عطش کینه اش فرو نشست و سوزش دل برآمده از خشمش سرد نشد درحالی که از عصبانیتش بر من انگشت به دندان گزید و پشت کرده پا به فرار نهاد و سپاه و نفراتش تارومار شد، پس تو را سپاس ای پروردگار از توانایی ات که شکست نپذیرد و بردباری ات که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در برابر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار ده؛ [۳](#)

خدایا چه بسیار متجاوزی که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و دام های شکارگیرش را در راهم نهاد و توجه جستجوگرانه اش را بر من گماشت و در کمین من نشست، همچون کمین گذاردن درنده ای برای شکار خویش برای به دست آوردن فرصت مناسب درحالی که خوش رویی چاپلوسانه نشان داده و به سختی گشاده رویی می کرد [۴](#)

پس چون حيله گري نهادش و زشتى پندار نهفته اش را آن هم بر زيان هم كيشش مشاهده نمودى درحالى كه به بامداد درآمد به اميد آنكه در ستمش بر من هجوم آورد، پس تو او را سرنگون ساختى و ريشه اش را از بيخ و بن بر كندى و او را در چاهى كه براى من كنده بود و در ژرفاى گودالش در انداختى و گونه اش را همپاى خاك پايش قرار دادى؛ و او را به جسم و روزى اش سرگرم كردى و او را با سنگ خودش زدى و با زه كمان خودش خفه اش ساختى و با سر نيزه هاى خودش نابودش كردى و به رو به خاك مذلت انداختى و حيله اش را به گردنش برگرداندى و به بند پشيمانى گرفتارش كردى و به سبب حسرتش به باد فنايش دادى، [۵](#)

از اين رو پس از كبر و نخوتش خوار و كوچك شد و به دنبال گردن فرازى اش پست و فرومايه شد و در بند دامى كه روز گردن كشى اش آرزو داشت مرا در ميان آن ببيند، اسير شد و چه نزديك بود پروردگارا اگر رحمت نبود بر من فرود آيد، آنچه دامن زندگى او را فرا گرفت، پس تو را سپاس پروردگارا كه تواناى شكست ناپذيرى و بردبارى شتاب نورزى، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هايت از سپاس گزاران و در برابر عطاهايت از يادكنندگان قرار بده؛ [۶](#)

خدايا چه بسيار حسودى كه از روى حسرت برافروخته گشت و دشمنى كه به سبب خشمش به سختى اندوهناك شد و مرا با نيش زبانش آزرده ساخت و مژگانش را چون نيزه اى به بدنم فرو برد و مرا هدف تيرهاى سرزنش كرد و كاستى هاى را به گردنم انداخت كه همواره در خود اوست، [۷](#)

پروردگارا پناه جويانه تو را خواندم، درحالى كه اطمينان به سرعت اجابت تو داشتم، توكل كنان به آنچه همواره از خوبى دفاعت مى دانستم، با آگاهى به اينكه هر كه رخت به سايه حمايتت كشد، مورد آزار واقع نگردد؛ و كسى كه به قلعه مددجويى تو پناه آورد، هرگز حوادث روزگار او را درهم نكوبد، پس به قدرتت مرا از آزار او حفظ كردى، بنابراين تو را سپاس اى پروردگار كه تواناى شكست ناپذيرى و بردبارى كه هرگز شتاب نكنى، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هايت از سپاس گزاران و در برابر عطاهايت از يادكنندگان قرار بده؛ [۸](#)

خدايا چه بسيار ابرهاى ناملايمات كه از فضاى زندگى ام زدودى و آسمان نعمتى كه بر من باراندى و نهرهاى بخشندگى كه به سوى من روان ساختى و چشمه هاى حوادثى كه نابود كردى و نهال رحمتى كه گستردى و زره عافيتى كه بر من پوشاندى و گرداب هاى گرفتارى كه برطرف كردى و امور جاريه اى كه مقدر فرمودى، آنگاه كه

این امور را پی گیری کردی، درمانده ات نکردند و هر زمان که آن ها را اراده فرمودی از فرمان برداری خودداری ننمودند، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۹](#)

خدایا چه بسیار گمان نیکی که جامه عمل پوشاندی و شکستگی نداری را که جبران کردی و بی چیزی توان فرسایی که از من گرداندی و از سقوط هلاکت باری که بلندم کردی و دشواری و سختی که آسان نمودی، تو بازخواست نشوی از آنچه انجام می دهی و دیگران بازخواست شوند و از آنچه هزینه می کنی چیزی کاسته نشود، [۱۰](#)

هر آینه اگر از تو درخواست شد، عطا کردی و اگر درخواست نشد، آغاز در عطا نمودی و از پیشگاه فضلّت درخواست احسان شد و تو منع ننمودی و ناخرسند بودی مگر از نعمت بخشی و اصرار بر رساندن عطا و فزون بخشی و احسان ای پروردگار و من هم ناخرسند بودم مگر از شکستن احترام محرمات و جسارت بر گناهانت؛ و تجاوز از قوانینت و غفلت از تهدیدت و فرمان بری از دشمنم و دشمنت، ای معبودم و یاورم کوتاهی ام در سپاسگزاری ات تو را از تمام کردن احسانت بر من باز نداشت و این چشم پوشی و بزرگواری، مرا از انجام کارهای مورد خشمت مانع نشد؛ [۱۱](#)

خدایا، این است جایگاه بنده ی فرومایه ای که برای تو به یگانگی اقرار کرد و برای خویش به کوتاهی در ادای حق تو و گواهی داد برای تو، به کمال نعمت بر او و شیوه زیبا و دلنشینت نزد او و احسانت بر او، پس به من ببخش ای خدای من و سرور من از احسانت آنچه را که در راه رسیدن به رحمت می خواهم، تا نردبانش قرار دهم که از آن به سوی خشنودی ات، بالا روم و با آن از خشمت امان یابم، به حق توانمندی و بی نیازی همیشگی ات؛ و به حق پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، [۱۲](#)

پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، درود فرست بر محمد و خاندان محمد و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۱۳](#)

معبود من چه بسیار بنده ای که صبح کرد و وارد شب شد، در سختی مرگ و به شدت و تنگی نفس زنان و با نگاه به آنچه بدن ها از دیدنش می لرزد و دل ها از آن بی تاب می شود و من از همه این ها در تندرستی و سلامتی هستم، پس تو را سپاس ای پروردگار، که توانای شکست ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۱۴](#)

خدای من چه بسا بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان در آمد، بیمار و دردمند، در ناله و فریاد، در اندوهش به خود می پیچید و راه گریزی نمی یافت و خوردنی و نوشیدنی گوارایی نمی خورد و من در تندرستی و سلامت زندگی هستم، همه این ها از توست، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۱۵](#)

خدایا چه بسیار بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان در آمد، ترسان و هراسان، پریشان و اندیشناک، فراری و رانده شده، خرابه نشینی در تنگنا و مخفیگاهی از مخفیگاه ها که زمین با فراخی اش بر او تنگ شد، چاره و راه نجات و پناهگاهی نمی یابد و من از همه این ها در امنیت و آرامش و سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانمند شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۱۶](#)

معبود و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد در آمد، بسته به زنجیر، پیچیده در آهن آن هم به دست دشمنانش که به او رحم نورزند، دور مانده از زن و فرزند، بریده از برادران و شهر خویش، هر لحظه انتظار دارد که چگونه کشته خواهد شد و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت و من از همه این ها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۱۷](#)

معبودم و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه در آمد، درحالی که سختی جنگ و پیکار را با جاننش تحمل می کند و دشمنان از هر جانب او را با شمشیرها و نیزه ها و ابزار جنگ در محاصره آورده اند، در میان آهن تلاش می کند، نهایت کوشش را

بکار گرفته، راه چاره ای نمی یابد و گریزگاهی به دست نمی آورد، از سختی جراحات بیمار شده، یا در خون خویش زیر سم ها و لگدها غلطان گشته، جرعه آبی را آرزو می کند، یا یک نگاه به اهل و فرزندش را می خواهد، اما توانی بر آن را ندارد و من از همه این ها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۱۸](#)

معبود من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآید، در تاریکی های دریاها و تندبادها و در دل هراس ها و امواج در حالی که انتظار غرق شدن و هلاکت را می کشد و توان چاره اندیشی ندارد، یا گرفتار صاعقه یا آوار یا آتش سوزی یا گلوگیر شدن لقمه یا فرو رفتن در زمین یا مسخ شدن یا متهم به امر نامشروع است و من از همه این ها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار ده؛ [۱۹](#)

معبود من چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد در حال مسافرت و دوری از همسر و فرزند، سرگردان در بیشه های خشک و سرگشته در میان حیوانات وحشی و چهارپایان و حشرات آن هم بی یاور و تنها، چاره ای نمی یابد و به راهی رهنمون نمی گردد، یا در آزار است از سرما یا گرما، یا دچار گرسنگی یا برهنگی یا غیر این ها از سختی ها و گرفتاری هایی که من از آن ها در امانم و در سلامتی کامل از همه این ها بسر می برم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۲۰](#)

معبود و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که تهیدست، بی چیز، عریان، نیازمند، پریشان، دچار هجران، گرسنه و تشنه است انتظار می برد که چه کسی به او احسان می کند، یا چه بسا بنده آبرومندی که نزد تو از من آبرومندتر و عبادتش برای تو بیشتر است و درعین حال دچار غل و زنجیر و اسیر دست ستمگر است، بار سنگینی از خستگی و رنج و سختی بیگاری و دشواری بردگی و پرداخت پول سنگین به اربابش بر او تحمیل شده است، یا شخصی که به بلای سختی گرفتار آمده و توان ایستادگی در برابر آن را جز به فضل تو ندارد، اما من

مورد احترام دیگران و در نعمت و تندرستی ام و گرامی ام داشته اند، من از آنچه آن درمانده به آن گرفتار است در سلامت کاملم، پس تو را سپاس بر تمام این الطافی که به من بخشیدی ای توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛ [۲۱](#)

معبود و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که ناخوش، دردمند و بیمار است و در بستر بیماری و لباس ناخوشی افتاده و از درد به راست و چپ می غلتد و چیزی از لذت خوراکی و آشامیدنی را درک نمی کند، با حسرت به خود می نگرد ولی بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد و من در سایه جود و کرمت از همه این ها در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت کنندگان قرار بده و بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده و به من مهر ورز به حق رحمت ای مهربان ترین مهربانان؛ [۲۲](#)

مولایم و سرورم و چه بسا بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که به مرگ نزدیک شده و فرشته مرگ در میان یارانش او را محاصره کرده است، در جستجوی درمانی برای سختی های جان دادن و گرداب های آن است، چشمانش به راست و چپ می چرخد، به محبوبان و دوستان و یاران صمیمی اش می نگرد، از گفتار بازداشته و از نوشتن وصیت محروم گشته و از روی حسرت بر خود می نگرد، بر دفع زیان و جلب سود توان ندارد و من از همه این ها به جود و کرمت در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده و به حق مهربانی ات بر من مهر ورز، ای مهربان ترین مهربانان؛ [۲۳](#)

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که در تنگنای زندان ها و محبس ها و با ناراحتی و خواری در غل و زنجیر به سر می برد و زندانبان ها و دژخیمان او را دست به دست می گردانند، پس نمی داند با او چگونه رفتار خواهد شد و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت، پس او در زندگانی در بدحالی سختی است و در نهایت تنگی و مشکل است، با حسرت به خود می نگرد، بر دفع زیان و جلب سود توان ندارد و من به جود و کرمت از همه این ها در

امان هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت کنندگان و بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار ده و به حق مهتر بر من مهر آر، ای مهربان ترین مهربانان؛ [۲۴](#)

آقا و مولای من، چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که سرنوشتش با سختی گره خورده و گرفتاری او را محاصره کرده و از دوستان و محبوبان و یاران صمیمی جدا افتاده است، شام کرد در حال اسارت، حقارت و خواری در دست کافران و دشمنان، او را دست به دست به راست و چپ می گردانند، در سیاه چال ها زندانی شده و با غل و زنجیر، سنگین گشته، از روشنی دنیا و نسیمش چیزی نمی بیند، با حسرت به خود می نگرد، بر دفع زیان و جلب سود توان ندارد و من از همه این ها به جود و کرم و آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت کنندگان و بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده، به حق مهتر بر من مهر آر، ای مهربان ترین مهربانان؛ [۲۵](#)

و به حق توانمندی ات ای مهمان نواز، هر آینه از تو درخواست می کنم آنچه از عطایا را که نزد تو است و دراین باره بر تو اصرار می ورزم و دستم را با گناهی که دربرابر تو دارد، به سوی آستان دراز می کنم، پس به که پناه ببرم؟ و به که رو کنم؟ کسی را جز تو ندارم، آیا مرا از درگاهت میرانی درحالی که تنها تو تکیه گاه منی و توکلم تنها بر تو است، [۲۶](#)

از تو درخواست می کنم به نامت که چون بر آسمان نهادی پابرجا شد و چون بر زمین گذاردی آرام گرفت و چون بر کوه ها گذاشتی استوار گشت و چون بر شب نهادی تاریک شد و چون بر روز قرار دادی روشنی گرفت، [خدای من] از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همه نیازهای مرا برآورده سازی و همه گناهان کوچک و بزرگم را بیامرزی و روزی ام را گسترده سازی، آن رزق و روزی که مرا با آن به شرف دنیا و آخرت برسانی، ای مهربان ترین مهربانان؛ [۲۷](#)

آقای من از تو یاری می خواهم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا یاری ده و به تو پناه جستم پس پناهم ده و مرا با طاعت خود از طاعت بندگان و بی نیاز کن و به خواهش از حضرتت از خواهش خلق بی نیازم گردان و از خواری

تنگدستی به عزّت توانگری و از ذلت گناه به عزّت طاعت دگرگون ساز، همانا تو مرا
بر بسیاری از مردمان برتری دادی، نه از روی شایستگی من، بلکه از روی جود و
کرمّت، [۲۸](#)

خدای من تو را سپاس بر همه این عطاها، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و
مرا بر نعمت هایت از شاكران قرار بده و در برابر عطاهايت از يادكنندگان، و به من
مهر آور به مهرت ای مهربان ترین مهربانان. [۲۹](#)

سپس به سجده برو و بگو:

سجده کرد چهره پست و خوارم برای ذات توانمند بزرگت، سجده کرد روی فرسوده
فانی ام و برای ذات همیشگی ماندگارت، سجده کرد روی تهیدستم برای ذات بی
نیاز بزرگت، سجده کرد رویم و گوشم و چشمم و گوشتم و خونم و پوستم و
استخوانم و همه آنچه زمین از بار وجود من برداشته در برابر پروردگار جهانیان.
[۳۰](#)

خدایا بر نادانی من به بردباری ات و بر تهیدستی من به توانگری ات و بر خواری من
به توانمندی و سلطنتت و بر ناتوانی من به توانایی ات و بر ترس من به ایمنی ات و
بر گناهان و خطاهای من به گذشتت و رحمتت بنگر ای بخشنده‌لی مهربان؛ [۳۱](#)

خدایا! من به مدد تو سینه‌ی سخت دشمنم فلان پسر فلان را دفع می‌کنم و از شرّ
او به تو پناه می‌آورم، پس مرا از گزند او بازدار آنگونه که پیامبرانت و اولیا و بندگان
شایسته ات را از گزند فرعون ها و دشمنان طغیان گرت و از شرّ همه مخلوقات
بازداشتی، به مهرت، ای مهربان ترین مهربانان، همانا تو بر هر کاری توانایی و خدا
ما را بس است و چه نیکو کارگزاری است. [۳۲](#)